



## Nitro Zeus, a confrontation between America's international policies and the Islamic Republic's sovereignty model after a half century of challenge

Reza Jalali<sup>1</sup>, Ali Akbar Amini<sup>2</sup>, Amir Hussain Zarei MahmoudAbadi<sup>3</sup>

1. Associate Professor, Political Science Department, Faculty of Political Science, Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Political Science Department, Faculty of Political Science, Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran.
3. Ph.D. student, Political Science Department, Faculty of Political Science, Islamic Azad University, Zahedan, Iran. (**Corresponding Author**): Amirhusein\_zarei2020@yahoo.com

**Received:** 14 February 2019; **Revised:** 16 April 2019; **Accepted:** 21 April 2019

### Abstract

The purpose of the present study is to analyze opposing policies of Iran and the US, particularly in the four decades after the Islamic Revolution of Iran. The research method is descriptive and analytical, and the data were gathered with a library method. The results indicated that a military confrontation with the Islamic Republic of Iran is extremely strenuous and costly, and the United States know it for sure that the abandonment of sovereignty in Iran is impossible even with a nuclear attack by them, unless it is accompanied by people and physical presence on Iran's soil. Iranians have unique identities, as they become united in difficulty, and no alternative can be envisaged for this unique historical sovereignty coalesced with Islamism, Iranianism together with their ethnic and racial identity in Iran. The only way is to accept the absolute sovereignty of the Islamic Republic of Iran on the basis of absolute Guardianship of Islamic Jurist; that is, both parties, particularly the United States, should live up to international rules and treaties, which in turn leads to a constructive and mutual interaction between both parties in the long run. Inclusive confrontation with Iran, ranging from nuclear attack to Nitro Zeus, no matter how strong they are, are not sufficient for an encounter with Iran. And, since there is no alternative to this model of sovereignty given the complex and multilayered identity of Iranian culture, it is evident that compliance with the new global order and embracing Iran is the only solution for putting an end to this challenge from the last half century.

**Keywords:** America, Atomic war, Donald trump, Imam khomeini, Iran, JCPOA, National security, Nitro Zeus, Political relations.

---

national security on the basis of a multilayered and sustainable 3D matrix (a case study of Iran).



## نیتروژئوس، تقابل سیاست‌های بین‌المللی آمریکا با مدل حاکمیتی جمهوری اسلامی پس از نیم قرن چالش

رضا جلالی<sup>۱</sup>، علی‌اکبر امینی<sup>۲</sup>، امیرحسین زارعی محمودآبادی<sup>۳</sup>

۱. دانشیار، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران‌مرکز، تهران، ایران.

۲. دانشیار، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران‌مرکز، تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان، زاهدان، ایران. (نویسنده

مسئول): Amirhussein\_zarei2020@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۸/۰۱/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۱

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، واکاوی سیاست‌های متقابل ایران و آمریکا به ویژه در چهار دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌باشد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌ها با روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. نتایج نشان داد، رویارویی نظامی با جمهوری اسلامی ایران کار بسیار دشوار و پرهزینه‌ای است و ایالات متحده نیک می‌داند اسقاط حاکمیت در ایران حتی با حمله اتمی از سوی آن‌ها غیرممکن خواهد بود، مگر همراهی مردم و حضور فیزیکی در خاک ایران. ایرانیان هویت منحصر به فردی دارند که در سختی با یکدیگر متحد می‌شوند و هیچ جایگزینی نمی‌توان برای این حاکمیت منحصر به فرد تاریخی آمیخته با اسلام خواهی، ایرانی‌گری و توأم با هویت قومی و نژادی در ایران به وجود آورد. تنها راهکار پذیرش حاکمیت قطعی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای ولایت مطلقه فقیه است و به نوعی باید طرفین به ویژه ایالات متحده آمریکا از نظم نوین جهانی که تبعیت از قوانین و معاهده‌های بین‌المللی است، تمکین کند و این کار سبب برقراری تعامل مشترک و سازنده بین طرفین در بلندمدت خواهد شد. تقابل همه‌جانبه با ایران از هسته‌ای گرفته تا نیتروژئوس هر قدر که متقن باشد، باز هم برای تقابل با ایران کافی نیست و چون با هویت پیچیده و چند بعدی در فرهنگ مردم ایران جایگزینی برای مدل حکومت شکل گرفته در ایران وجود ندارد، بدیهی است تبعیت از نظم جدید جهانی و پذیرفتن ایران تنها راهکار خاتمه‌دادن به این چالش در نیم‌قرن گذشته است.

**واژگان کلیدی:** آمریکا، امام خمینی (ره)، ایران، امنیت ملی، برجام، روابط سیاسی، دونالد ترامپ، جنگ اتمی، نیتروژئوس.

مقاله حاضر مستخرج از پایان‌نامه دکتری با عنوان امنیت ملی براساس ماتریس سه بعدی چند لایه و پایدار (همراه مطالعه موردی ایران) است.

## مقدمه

پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ هجری خورشیدی، همگان بر این باور بودند که انسانی‌ترین انقلاب تاریخ بشریت در ایران و به دست ایرانیان رقم خورده است و پس از آن، شاهد شکل‌گیری اولین حکومت شیعه در مهم‌ترین نقطه از جهان، یعنی قلب خاورمیانه بودیم (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۴). در این میان، مسئله اصلی چگونگی مواجهه آمریکا با حاکمیت جدید ایران و برقراری ارتباط دوسویه براساس خواست طرفین بود. هدفی که هر دو کشور نزدیک به نیم‌قرن دنبال می‌کنند و آن هم تنظیم روابط سازنده بین یکدیگر است. مقاله حاضر با هدف بررسی راهکارهای موجود رسیدن به تعامل مشترک پس از چهار دهه به رشته تحریر درآمده است و با تکیه بر روش‌های توصیفی در روابط تاریخی بین ایران و آمریکا به دنبال ارزیابی کارآمد برای برقراری این روابط و در نهایت، رسیدن به راهکاری ممکن و عملی است.

از این رو، شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران بر مبنای ولایت مطلقه فقیه در ایران باعث شد یک مدل جدید حکومتی و بسیار چالش‌برانگیز برای دیگر کشورهای متحد ایران تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به وجود آید، بدیهی است بررسی روابط این حاکمیت منحصربه‌فرد با دیگر کشورها، به ویژه آمریکا، ضرورت و اهمیت ویژه‌ای دارد. این مدل نوین حاکمیتی چالشی جدی در زمینه‌های مختلف، به ویژه سیاست خارجه را نه تنها برای جمهوری اسلامی ایران که برای بسیاری دیگر از کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به وجود آورد؛ زیرا ایران کشوری بسیار قدرتمند با موقعیتی حساس و استراتژیک بوده و هست که هیچ کشوری به راحتی نمی‌توانست از مواضع و اقدامات آن چشم‌پوشی کند (موسوی خمینی، ۱۳۵۶، ص ۸۶). هرچند پیش از این برخی صاحب‌نظران به تسلیم کامل، و برخی دیگر به تقابل کامل باور داشتند، اما بررسی پیشینه رفتارهای ناشی از این دو دیدگاه نشان از ناکارآمدی آن‌ها دارد.

## مبانی نظری

### انقلاب ایران و یکتا مدل حکومتی شیعه در جهان

امام خمینی (ره) برای نخستین بار در دنیا مدل جدید حکومتی را به وجود آورد که مبتنی بر چند اصل مهم و اساسی بود اصولی که از برخی از آنها می‌توان با صراحت به عنوان اصول نانوشته نظام جمهوری اسلامی ایران نام برد؛ زیرا برای اولین بار در تاریخ معاصر یک حکومت براساس فقه شیعه در ایران شکل می‌گرفت، حکومتی که با آزمون - خطای بسیار در دهه اول موفق به دوام و قوام سیستم حاکمیتی شد که همه جوانب و مشکلات ناشی از سیستم سیاسی که به حکومت شاهنشاهی و یا حکومت‌های دیگری را که پیش از این در ایران وارد بود، برطرف کرد (موسوی خمینی، ۱۳۵۶، ص ۶۴).

حکومتی که بر مبنای ولایت مطلقه فقیه و ایدئولوژی‌های برخاسته از دین اسلام و به ویژه مذهب تشیع شکل گرفته است و مردم پیروی از ولایت فقیه را یک اصل اساسی و واجب در کشور و بالطبع مذهب و دین خود یعنی اسلام می‌دانند (موسوی خمینی، ۱۳۵۶، ص ۹۸). هرچند اصل تفکیک قوا و احترام به حقوق فردی به صورت دموکراسی مستقیم و بدون واسطه از یک‌سو، و دموکراسی غیرمستقیم و با واسطه از سوی دیگر به دقت رعایت شده است، اما با صراحت می‌توان گفت این مدل حکومتی آمیخته با دین اسلام هیچ جایگزین قابل قبولی برای مردم ایران با توجه به هویت پیچیده فعلی نخواهد داشت (غرایاق زندی، ۱۳۸۲، ص ۲۹).

### برجام اجبار یا ضرورت

در نهایت، پس از گذشت نزدیک به چهار دهه و آزمون و خطای شیوه‌های مختلف برای مهارکردن جمهوری اسلامی ایران و به ویژه سیاست‌های اسلام‌گرایانه این حاکمیت در منطقه خاورمیانه، آمریکا و دیگر متحدان اروپاییش به این باور می‌رسند که یکی از بهترین مؤثرترین راه‌های مهار ایران گذاشتن تحریم‌های به گفته خودشان فلج‌کننده علیه این کشور است، هرچند پس از آزمون و خطای اقدامات فراوان علیه ایران نظیر انقلاب مخملی، حمله نظامی و تحریم راه به جایی نمی‌برند، به این نتیجه می‌رسند که باید بر سر میز مذاکره با ایرانیان بنشینند (کریمی مله،

۱۳۹۲، ص ۵۴)، اتفاقی که شاید عجیب و منحصر به فرد بود؛ اما در نهایت، پس از گذشت تقریباً ۱۰ سال، به ثمر می‌نشیند و طرفین در برابر خواسته‌های یکدیگر به تعاملی مشترک به نام برنامه جامع اقدام مشترک یا همان برجام می‌رسند.

برجام ضرورتی انکارناپذیر بود، زیرا تحریم‌های بسیار تخصصی علیه ایران از یک سو، و بحران‌های اقتصادی جهانی از سوی دیگر، تاب‌آوری اقتصادی بسیاری از کشورهای دنیا را چه برای واردات نفت، گاز و میعانات گازی از ایران و چه صادرات به ایران بسیار تحت تأثیر قرار داده بود. از سویی دیگر، غربی‌ها با همکاری شرکای صیہونیست خود هر کاری برای توقف ایرانیان کرده بودند از ترور دانشمندان هسته‌ای آن‌ها گرفته، تا سازماندهی انقلاب مخملی؛ در حالی که ایرانیان از همه این مشکلات و مصائب سربلند بیرون آمده بودند. از این رو، شاید تنها گزینه برای رئیس‌جمهور وقت آمریکا مذاکره و رسیدن به راهکاری سیاسی و منطقی در به رسمیت شناختن حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران بود (روحانی، ۱۳۹۲، ص ۵۶۸).

### خروج آمریکا از برجام چانه‌زنی یا بسترسازی

خروج از برجام چه دستاوردی برای کشورهای غربی در برابر جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟ نباید فراموش کرد که دونالد ترامپ پیش از آنکه یک سیاستمدار باشد، یک تاجر موفق بوده و هست. خروج وی از برجام را می‌توان در چند بعد بررسی کرد؛ اول آنکه به دنبال فشار بر ایران است، تا بتواند با امتیازگیری در زمینه‌های مختلف نظیر فناوری موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران درآمد بیشتری برای خود داشته باشد و به اهدافی که از طریق گروه‌های معارض در سوریه نرسید از طریق خروج موقتی و تعلیق‌نکردن تحریم‌های ایران برسد (روشندل، ۱۳۹۴، ص ۱۴۸).

دوم اینکه تلاش کند تا اروپا به ایران فشار بیاورد تا بر سر دو مسئله یادشده پای میز مذاکره بنشیند و در ازای آن ایالات متحده آمریکا به برجام که همان تعلیق مجدد تحریم‌های هسته‌ای به ویژه نفت است، بازگردد و گزینه سوم تهدید اروپا برای خروج از برجام و زدن آخرین میخ بر

تابوت برجام باشد؛ هرچند تا این لحظه اروپا با ایالات متحده همراهی و همکاری نکرده است اما دور از ذهن نیست که در نهایت شاهد این اتفاق باشیم و در نهایت، که قوی‌ترین گزینه به شمار می‌رود، بازگرداندن همه تحریم‌های تعلیق‌شده از سوی آمریکا توأم با مهار جمهوری اسلامی ایران به واسطه حفظ برجام بین ایران و اروپا هرچند به صورت کاملاً ظاهری باشد!

### رویارویی پس از نزدیک به نیم‌قرن

مدتی است که دونالد ترامپ به طور مستقیم با مردم ایران صحبت می‌کند. هرچند اقبال چندانی دریافت نمی‌کند، اما واضح است که به دنبال جداسازی مردم از حاکمیت و همسوکردن اقشار مختلف جامعه ایرانی با خود است و این تحرکات در کنار تیم قدرتمند ضدایرانی در کاخ سفید، خبر از یک تقابل و جنگ شوم منطقه‌ای، حتی فرامنطقه‌ای می‌دهد. زیرا بی‌تردید ایرانیان در قبال حمله به کشورشان در هر سطح و اندازه‌ای که باشد، سکوت نخواهند کرد و بی‌شک نبرد با مردمی که چهار دهه عطش و انتظار این رویارویی را می‌کشند کار آسان و عاقلانه‌ای نخواهد بود، آن هم شیعیانی که بر این باورند که چه کشته بشوند و چه بکشند در هر دو حالت پیروز میدان نبرد هستند، پس نمی‌توان انتظار داشت با یک حمله برق‌آسا زیرساخت‌های ایران را هدف قرار داد و در خاک ایالات متحده در امان بود یا به راحتی بتوان حاکمیت را دچار اضمحلال درونی کرد تا جایی که بتوان برای همیشه حکومت جمهوری اسلامی را از بین برد (میرسندسی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴). در حالی که جمهوری اسلامی ایران سرنوشت متحدان سال‌های نه چندان دور ایالات متحده آمریکا نظیر لیبی و عراق را به‌خوبی دیده است و این تجربه‌ای ارزشمند برای آن‌ها محسوب می‌شود؛ چون بر این باورند که لیبی یک متحده جلدی برای اروپا و غرب به شمار می‌رود و زمانی که همین متحد اقدام به ساخت سایت هسته‌ای می‌کند، نه تنها باید همه امکانات، تجهیزات و نتایج تحقیقات خویش را به یکباره به شرکای غربی تحویل دهد، بلکه در اقدامی عجیب معمر قذافی که دیگر برگ برنده‌ای ندارد شاهد حمله همه‌جانبه ناتو به خاک کشور خود می‌شود و به‌نوعی اسقاط حکومت لیبی در چهارمین دهه خود به شیوه بسیار فجیعی برای او رقم می‌خورد (روشندل و ازغندی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۵).

## نیتروزئوس

شاید یکی از راه‌های مقابله با جمهوری اسلامی ایران از سوی ایالات متحده آمریکا اجرایی کردن و پیاده‌سازی عملیات نیتروزئوس<sup>۱</sup> باشد. هرچند از نیتروزئوس فقط می‌توان به عنوان مکملی عملیاتی و یا کمکی به نسبت ناچیز اطلاعاتی به جنگ علیه ایران یاد کرد، اما همین عملیات و پروژه میلیارد دلاری بی‌دلیل علیه ایران سازماندهی و طراحی نشده است؛ زیرا اجرای نیتروزئوس می‌تواند همه زیرساخت‌های نظامی و انرژی ایران را به نوعی هدف قرار دهد و همین باعث ناکارآمدی یا از کار افتادن سیستم‌های داخلی در سطوح مختلف امنیتی در ایران می‌شود (آل داوود، ۱۳۹۵، ص ۱۸).

اما به‌راستی نیتروزئوس چیست؟ پس از برنامه‌ریزی موفق در ویروس‌نگاری متخصصان برنامه نویسی در آمریکا برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، ایالات متحده به فکر انجام دادن کارها و عملیات‌های بزرگتری در کشور ایران شد، زیرا در حمله قبلی با ویروسی ناشناخته به نام استاکسنت<sup>۲</sup> موفق شد به سانتریفوژهای سایت هسته‌ای نطنز در ایران حمله کند و سبب ناکارآمدی این سایت شود؛ هرچند از عامل انسانی استفاده نکردند و با آلوده کردن شبکه‌های اینترنتی و بالطبع رایانه‌های صنعتی در نهایت، پس از گذشت چند سال موفق به نفوذ به تأسیسات ایزوله<sup>۳</sup> شده هسته‌ای ایران شدند.

اما این پایان ماجرا نبود. زیرا این ویروس پیش از نفوذ موفق به تأسیسات اتمی ایران توسط آزمایشگاه‌های مختلف و تخصصی در سراسر دنیا به ویژه کاسپراسکای<sup>۴</sup> در روسیه شناسایی شده بود. از این رو، فقط سکوت در برابر ویروس استاکسنت به چند دلیل عمده و جدی بر می‌گشت؛ یکی آنکه متخصصان رایانه با توجه به گستردگی و پیچیدگی این ویروس دریافته بودند که یک دولت ثروتمند و توسعه‌یافته پشت این طراحی ساختاری قوی قرار دارد و با هزینه‌ای حداقل

---

1. Nitrozeus  
2. Stuxnet  
3. Isoulat  
4. Kaspersky

معادل با ۵۰۰ میلیون دلار و حداکثر یک میلیارد دلار برنامه‌ریزی شده است. از این رو، نمی‌توان ساده با این ویروس پیچیده و قدرتمند مواجه شد (محمودآبادی، ۱۳۹۶).

از سوی دیگر، ویروس‌ها و بدافزارها در دنیا با سه هدف مشخص تولید و رمزنگاری می‌شوند؛ اول گروهی یا فردی هکر برای سرقت‌های مالی و اطلاعاتی اقدام به ویروس‌سازی یا تولید بدافزارها برای سیستم‌های مالی می‌کند و دوم به منظور ایجاد تهدیدات اطلاعاتی و امنیتی از سوی گروه‌های آزادی‌خواه حتی تروریستی، اطلاعات و سیستم‌ها یا سایت‌های به‌خصوصی هک می‌شوند و در نهایت، که تاکنون اتفاق نیفتاده بود، و این اولین نمونه از حمله همه‌جانبه سایبری یک کشور به کشور دیگر بود که در صورت اثبات حق اقدام نظامی برای کشور مورد حمله محفوظ بود تولید و انتشار استارکسنت در فضای اینترنت به ویژه آلوده‌سازی سیستم‌های صنعتی جهان بود هرچند ایالات متحده و رژیم غاصب صیهونیستی مسئولیت این حمله را نمی‌پذیرند، اما این حمله را می‌توان یک آزمون و خطای اولیه اما جدی علیه ایران و تأسیسات هسته‌ای ایران دانست.

دیگر اینکه این ویروس همه رایانه‌های دنیا را تقریباً آلوده کرده بود، اما اثری بر آن‌ها نداشت و به دنبال یک هدف خاص بود و هنوز به آن هدف خاص دسترسی پیدا نکرده بود و اگر هم دسترسی داشتند، اقدام مؤثر از آن سر نزده بود. در اینجا بود که با دخالت رژیم غاصب صیهونیستی در این عملیات و حمله به صورت آشکارا این ویروس فعال می‌شود و با حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران به نوعی شناسایی و پس از مدتی از سوی ایرانیان این حمله مهار می‌شود. این بخشی از حمله سایبری ایالات متحده آمریکا به تأسیسات زیربنایی مهم ایران است که اگر دخالت صیهونیست‌ها نبود، شاید به این زودی و به این سرعت شناسایی نمی‌شد. در حالی که در پروژه نیتروزئوس هیچ کشوری جز ایالات متحده آمریکا همکاری ندارد، پروژه‌ای گسترده‌ای که می‌تواند مقدمه حمله آمریکا به ایران باشد، شاید بتوان نیتروزئوس را پیش حمله یا حمله تمام‌عیار سایبری به ایران دانست. زیرا این بدافزار امکان آلود سازی همه تجهیزات جنگ الکترونیکی در ایران را داراست و به نوعی با این حمله سایبری، زیرساخت‌های مخابراتی و انرژی ایران در مرحله اول از کار خواهد افتاد و در مراحل بعدی سیستم‌های دفاع موشکی و پدافندهای نظامی ایران را هم زمین‌گیر خواهد کرد و در نهایت، با از کار انداختن سیستم‌های مالی و مخابراتی



در عمل، جمهوری اسلامی ایران به یک سیبل دست‌وپایسته برای ایالات متحده آمریکا تبدیل می‌شود (میرسندسی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۵).

یکی از نکات جالب در تحریم‌های ایران که مورد توجه جمهوری اسلامی ایران هم بوده، اما اجتناب‌ناپذیر است، تحریم‌نشدن اینترنت در ایران و تحریم نکردن ایران در این زمینه از سوی ایالات متحده است؛ زیرا مسائل بسیار مهم و حساس‌تر در ایران با تحریم‌های سنگین و سخت ایالات متحده آمریکا مواجه شده است و هیچ منطقی آزادبودن فضای وب برای ایران را نمی‌تواند توجیه کند، مگر یک درگاه برای ضربه‌زدن و حمله به جمهوری اسلامی ایران باشد!

### سه‌گانه ترامپ، بولتون و هنسون

زمانی که مک مستر مشاور ترامپ بود، طرح‌هایی برای خروج از برجام به کاخ سفید می‌رسید حالا با آمدن جان بولتون<sup>۱</sup>، طرح‌های تغییر نظام در ایران به ترامپ پیشنهاد می‌شود. جان بولتون در ژوئیه سال پیش در اجتماع سازمان منافقین (یکی از گروه‌های مسلح فارسی‌زبان که مخالف با حاکمیت ایران است و تازه از لیست گروه‌های تروریستی خارج شده است) حضور یافت و در سخنرانی خود گفت «قبل از ۲۰۱۹ ما همین جشن را در تهران می‌گیریم» او در یکی دو سال اخیر تلاش زیادی کرد تا ترامپ را به خروج از برجام راضی کند، حتی طرح کاملی برای این اقدام غیرقانونی ارائه کرد حالا که گام اول نقشه او عملی شده، در حال بررسی طرح‌های پیشنهادی برای تغییر نظام در ایران است (بولتون، ۱۳۹۷، ص ۱۱).

بولتون در همان سخنرانی در اجتماع منافقین، دلیل خود را این گونه بیان کرد: «من پیش از این اتفاقات و بیش از ۱۰ سال است که می‌گویم که سیاست رسمی ایالات متحده باید سرنگونی رژیم ملاحا در تهران باشد رفتار و اهداف این رژیم تغییر نخواهد کرد و بنابراین تنها راه این است که خود رژیم را تغییر دهیم» (بولتون، ۱۳۹۷، ص ۱۳). او در رفتار و اهداف ایران بیش از هر چیز بر مسائل منطقه‌ای و حضور ایران در سوریه و لبنان تأکید کرد، برای بولتون تنها یک پرسش وجود

---

1. John Bolton

دارد: چگونه این تغییر نظام رقم بخورد؟ از زمان جنگ عراق در افکار عمومی آمریکا (که البته خود بولتون هنوز باور دارد اقدام درستی بوده) دولت این کشور از مداخله مستقیم در کشورهای جهان به ویژه خاورمیانه بخاطر مسائل داخلی خود بیم دارد از این رو روش دوقلوی دیگری را در سوریه و اوکراین پیش گرفت و احتمالاً در ایران نیز پیش خواهد گرفت: تضعیف حکومت و تقویت مردم البته در صورتی که همه مردم با آمریکا همراهی نکنند، آمریکا دست روی دست نگذاشته است، و گروه‌های مختلف را به شکل هسته‌های معارض و البته به نام جامعه مدنی و مخالفان قانونی تقویت می‌کند پس از آن که حکومت مجبور به برخورد با این هسته‌ها شد، این گروه‌های ظاهر مردمی مسلح شده و کشور را با سناریوی کشته‌سازی و مظلوم‌نمایی رسانه‌ای به آشوب می‌کشند در نهایت، اگر نیاز شد، تسلیحات قاچاق و پهپادهای آمریکایی به کمک می‌آیند. چندی پیش واشنگتن فری بیکن<sup>۱</sup> فاش کرد به طرحی سه صفحه‌ای دست یافته است که اندیشکده تندروی گروه مطالعات امنیتی<sup>۲</sup> به شورای عالی امنیت ملی آمریکا ارائه کرده است این سه برگ، طرح این اندیشکده تندرو با مدیریت جیم هنسون برای تغییر نظام در ایران است اندیشکده یادشده طی سال‌های اخیر مدعی شده بود ایران با همراهی کره شمالی در حال طراحی کلاهک‌های حرارتی - هسته‌ای<sup>۳</sup> است و پای‌بندی به برجام، یک فریب است پس از نمایش نتانیاو با اسنادی که مدعی سرقت آن‌ها از ایران شده بود گویی به آرزوی دیرینه خود رسیدند و نتیجه گرفتند زمان تغییر نظام ایران فرارسیده است از محتوای یادداشت‌های هنسون می‌توان به محورهای طرح محرمانه‌ای که از طریق بولتون به ترامپ داده است، پی برد (خسروی، ۱۳۹۷، صص ۱۸-۱۹).

روز هفتم می سال جاری، یادداشت جدیدی از جیم هنسون در پایگاه این اندیشکده با عنوان «پایان بازی برای توافق ایران و ملاحا» منتشر شد که طبیعتن محورهای اصلی طرحی که اندیشکده به بولتون داده است را شامل می‌شود در این یادداشت پس از استقبال از سیاست ترامپ برای خروج از برجام در صورت عدم تعهد ایران به محدودیت‌های جدی در حوزه‌های دیگر، نوشته

---

1. Washington Free Beacon

2. SSG

3. Thermonuclear

است: «آنچه اکنون باید به عنوان مشکل اصلی بشناسیم، حکومت اسلامی خطرناک مالاها است که بیش از ۴۰ سال است بر مردم ایران تحمیل شده است برای مردم ایران بس است و آن‌ها اکنون در میانه یک اعتراض چند ماهه دیگر قرار دارند رئیس‌جمهور اواما در انقلاب سبز سال ۲۰۰۹ میلادی مالاها را به مردم ایران ترجیح داد ما اکنون باید به عکس عمل کنیم و ایرانیانی را که با افتخار، ندای آزادی سر داده‌اند، پشتیبانی کنیم این به معنای مداخله ایالات متحده یا حتی شاید هیچ اقدام نظامی نباشد اما باید این واقعیت را به رسمیت بشناسیم که ایران و جهان وضع بهتری خواهند داشت اگر خودشان سرنوشت‌شان را تعیین کنند هیچ کس نباید برای پایان یک رژیم فاسد و شیطنی ناراحت شود زیرا این رژیم، اصلی‌ترین حامی تروریسم در جهان، بزرگترین مشکل در انعقاد صلح در خاورمیانه و مانع اصلی در مسیر شکوفایی ثروت‌ها و پتانسیل‌های ایران است توافق هسته‌ای تنها یک عارضه و نشانه است اصل بیماری، مالاها هستند» (هنسون، ۱۳۹۷، ص ۱۵۵).

جیم هنسون<sup>۱</sup> در ۱۱ می در یادداشت دیگری با عنوان «آمریکا باید از نیروهایی که خواهان تشکیل حکومت جدید در ایران هستند پشتیبانی کند» که فاکس‌نیوز منتشر کرد، در واکنش به حمله موشکی سوریه به اسرائیل نوشت: «توافق هسته‌ای مرده است حالا چه می‌شود؟» او که تا به حال بر این باور بود توافق هسته‌ای بسیار ناقص است برای تحریک دولت ترامپ نوشت: «حالا که ترامپ از توافقی که برای متوقف کردن ایران در مسیر تبدیل به یک قدرت هسته‌ای خارج شده است، ایران اکنون می‌تواند به مسابقه‌اش برای رسیدن به بمب اتمی ادامه دهد» وی مدعی شد «حمله ناموفق موشکی ایران از خاک سوریه علیه نیروهای اسرائیلی در ارتفاعات جولان نشان می‌دهد ایران همچنان مصمم است، اسرائیل را از نقشه محو کند و در سراسر خاورمیانه در دسر ایجاد کند» (Henson, 2018, p.111).

هنسون برای توضیح پیشنهادش می‌نویسد: «ما برای بیان همبستگی خود با مردم ایران، یک

---

1. Jimmy Henson

الگو داریم یکی از بزرگترین پیروزی‌های بدون خشونت در راه آزادی در دوره جدید، سقوط اتحاد شوروی است مردم باید برای آنچه رئیس‌جمهور رونالد ریگان<sup>۱</sup>، نخست‌وزیر بریتانیا مارگارت تاچر<sup>۲</sup> و پاپ ژان پل دوم<sup>۳</sup> و لخ والسا<sup>۴</sup> رهبر جنبش همبستگی لهستان انجام دادند، افتخار کنند والسا مبارزه با رژیم بی رحم شوروی را هدایت کرد و اولین روزنه را در پرده آهنین که صدها میلیون انسان را در بردگی نگه داشته بود، ایجاد کرد اتحادیه کارگری با او اعلام همبستگی کرد و تقاضای اصلاحات اقتصادی بالا گرفت ایران به جنبش مشابهی بر مبنای تقاضای بهبود کیفیت زندگی مردمش و پایان دادن به سرکوب از سوی رژیم نیاز دارد» (Henson, 2018, p.112).

والسا که او از آن نام برده است، با فروپاشی شوروی از سال ۱۹۹۰ میلادی رئیس‌جمهور لهستان شد. هنسون توضیح می‌دهد «جهان آزاد» (یعنی دولت‌های غربی) چگونه باید با تحریم ایران و کوتاه شدن دستش از درآمدها، حکومت را برای هزینه کردن درآمد اندک باقیمانده در یک دوراهی قرار دهد: کمک به گروه‌های تروریستی (همان محور مقاومت) یا هزینه کردن برای مردم، او می‌گوید حکومت ایران را در صورت انتخاب گزینه اول باید با حمایت از اعتراضات داخلی و «تأمین آن گونه از پشتیبانی که نیاز دارند» تحت فشار قرار دهیم (Henson, 2018, p.126). بنابراین، آنچه درباره اهداف بولتون برای برداشتن گام دوم و حساسیت آن برای موفقیت در شوراندن مردم ایران علیه حکومت گفته شد، مورد توجه طرح هنسون قرار گرفته است و این مسأله احتمال پذیرش طرح هنسون را از سوی تیم تندروی ترامپ، افزایش می‌دهد.

جیم هنسون خود سال‌ها در مأموریت‌های خارجی، عملیات‌های ضد چریکی و ضد تروریسم مشارکت داشته و عضو نیروهای ویژه ارتش آمریکا بوده است. همچنین، وی را به عنوان کارشناس در فاکس نیوز و سی ان ان روی آنتن می‌برند و کتابی نیز با نام *پرچم سیاه را پایین بکشید: طرحی برای شکست دادن دولت اسلامی نوشته* که مربوط به داعش است فری بیکن فاش

- 
1. Ronald Reagan
  2. Margaret Thatcher
  3. Jean Paul
  4. Lech Walesa

کرده است که برخی منابع به اندیشکده مطالعات امنیتی گفته‌اند فضای اجتماعی ایران بیش از مخالفت یا موافقت آمریکا با برجام، به مسائل داخلی مانند فیلتر تلگرام از سوی حکومت ایران واکنش نشان می‌دهند و این یعنی زمان آن رسیده است که «یک کمپین مؤثر برای تجزیه رژیم به اعضای سازنده‌اش، طراحی کنیم» یک منبع نزدیک به کاخ سفید به فری بیکن گفته است «بولتون سال‌ها روی نقشه B، C و D برای تغییر رژیم ایران کار کرده است و ترامپ با علم به این مسأله او را به کار گمارد» (هنسون، ۱۳۹۷، صص ۱۶۷-۱۶۹).

طبیعی است می‌توان طرح هنسون را در چند مرحله مشخص جای داد در مرحله اول فشار اقتصادی به حاکمیت و اقلام حیاتی و مهم در جمهوری اسلامی ایران تا جایی که سبب به وجود آمدن نارضایتی عمومی در بستر جامعه ایران بشود و این نارضایتی‌ها باید به صورت گسترده و خیابانی سازماندهی شوند به گونه‌ای که اغلب به اغتشاشات و آشوب‌هایی ختم شوند که خسارات مالی و جانی به کشور وارد کنند. در مرحله بعد با استفاده از عوامل وطنی نظیر منافقین حملات مسلحانه کور به مردم انجام می‌شود و به سرعت با کمک رسانه‌ها عملیات روانی با محوریت کشته‌سازی آن هم از سوی حاکمیت مطرح می‌شود تا احساس عمومی جریحه‌دار شود.

در مراحل بعدی، افراد و گروه‌های که استعداد مسلح شدن و نبرد شهری و مسلحانه را دارند، از سوی گروه‌هایی که تجربه عملیات‌های مسلحانه را دارند نظیر منافقین که از گروه‌های مسلح، ایرانی، فارسی زبان و مخالف جدی حاکمیت جمهوری اسلامی است مسلح می‌شوند و اقدام به درگیری با نیروهای حاکمیتی می‌کنند و یک مدل ناامنی مسلحانه توأم با آشوب‌های خیابانی را به وجود می‌آورند و این افراد را به عنوان جامعه مدنی معرفی و با اسلحه‌های قاچاق تجهیز می‌کنند، همزمان به صورت مجزا به نهادهای حاکمیتی انتقادهای بسیار شدید و پراکنده می‌شود. هرچند این انتقادهای بی‌پایه و اساس باشد، اما اذهان عمومی آمادگی قبول این شایعات را دارد و هنگامی که همه نهادهای حاکمیتی یا اغلب نهادهای مهم مورد حمله قرار می‌گیرند. در نهایت، نوبت به اصل حاکمیت جمهوری اسلامی می‌رسد که متهم به ناتوانی و ناکارآمدی می‌شد در این هنگام موج مسموم افکار عمومی به ستیزه جویان مسلح ملحق می‌شوند و زمینه هر گونه تقابلی با ایران فراهم می‌شود (روشندل، ۱۳۹۴، ص ۵۸).

## نتیجه‌گیری

حمله به زیرساخت‌های ایران در یک عملیات برق‌آسا و کوتاه است، حمله‌ای که چه با همکاری و همراهی مکمل‌هایی چون نیتروژنوس صورت بگیرد، یا خیر، به نوعی محکوم به شکست است و به اصطلاح ایرانی‌ها تنها زخمی کردن مار سمی است که در نهایت منافع آمریکا را در سراسر دنیا مورد حمله قرار می‌دهد به گونه‌ای که دیگر نظامیان، حتی اتباع ایالات متحده در هیچ جای دنیا احساس امنیت نخواهند کرد و این حمله به زیر ساخت‌های هسته‌ای و موشکی ایران حرکتی کاملاً غیرعقلانی و دور از ذهن است تا جایی که تیم ضد ایرانی دونالد ترامپ در کاخ سفید هم با این گزینه مخالف است، زیرا می‌داند این حرکت حتی نمی‌تواند سبب توقف مقطعی فعالیت‌های هسته‌ای در ایران شود.

در نهایت، حرکت به سمت ازبین‌بردن حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران، حرکتی بسیار خطرناک و پرهزینه که پیش از این هیچ‌یک از رئیس‌جمهورهای آمریکا جرأت و اراده چنین کاری را نداشتند هرچند دونالد ترامپ را می‌توان رئیس‌جمهور شگفتی‌ها خواند اما رویارویی نظامی با جمهوری اسلامی ایران کار بسیار دشوار و پرهزینه‌ای است و ایالات متحده نیک می‌داند که اسقاط حاکمیت در ایران حتی با حمله اتمی از سوی آن‌ها غیرممکن خواهد بود مگر همراهی مردم و حضور فیزیکی در خاک ایران! از این رو، مدتی است که شاهد زمینه‌سازی‌هایی با کمک مشاوران کاخ سفید به منظور جذب مردمی و حداکثری با کمک طرح‌های مختلف از جمله طرح هنسون در ایران هستند، اما نباید فراموش کنیم که ایرانیان هویت منحصر به فردی دارند که در سختی با یکدیگر متحد می‌شوند و هیچ جایگزینی نمی‌توان برای این حاکمیت منحصر به فرد تاریخی آمیخته با اسلام خواهی، ایرانی‌گری و توأم با هویت قومی و نژادی در ایران به وجود آورد و تنها راهکار پذیرش حاکمیت قطعی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای ولایت مطلقه فقیه است و به نوعی باید طرفین به ویژه ایالات متحده آمریکا از نظم نوین جهانی که تبعیت از قوانین و معاهده‌های بین‌المللی است تمکین کند و این کار سبب برقراری تعامل مشترک و سازنده بین طرفین در بلندمدت خواهد شد.

## منابع

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. برکووتیز، مورتون، سی باک، پرسبی (۱۳۷۷). *امنیت ملی*. ترجمه شاپور سیفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. بولتون، جان (۱۳۹۷). *قول جان بولتون برای تغییر رژیم ایران قبل از ۲۰۱۹*. واشنگتن: اندیشکده مطالعات امنیتی ایالات متحده آمریکا.
۴. بیکی، مهدی (۱۳۸۸). *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۵. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). *موج چهارم امنیتی و پارادوکس‌های امنیت ملی در ایران امروز*. فرهنگ اندیشه، ۴(۱۵)، ۶-۲۱.
۶. خسروی، علیرضا (۱۳۹۷). *هویت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و آمریکای دشمن*. *مطالعات راهبردی*، ۲۰(۷۸)، ۷-۱۹.
۷. روحانی، حسن (۱۳۹۲). *امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۸. روشندل، جلیل (۱۳۹۴). *امنیت ملی و نظام بین‌المللی*. تهران: سمت.
۹. روشندل، جلیل، و ازغندی، علیرضا (۱۳۹۴). *مسائل نظامی و استراتژیک معاصر*. تهران: سمت.
۱۰. ساجدی، عادل (۱۳۸۴). *امنیت ملی ایران در قرن ۲۱ (بحران‌های قومی و امنیت ملی در ایران امروز)*. فرهنگ اندیشه، ۴(۱۴)، ۱۴-۲۷.
۱۱. سادات میدانی، سید حسین (۱۳۸۵). *شورای امنیت و پرونده هسته‌ای ایران: تقابل حاکمیت حقوق بین‌الملل با صلح بین‌المللی*. *سیاست خارجی*، ۳(۷۷)، ۴۶-۵۸.

۱۲. سرمست، بهرام (۱۳۸۸). بازیگران، جنگ‌افزارها و سرچشمه‌های تهدیدات امنیت بین‌المللی. علوم سیاسی، ۸(۳)، ۱۹۷-۲۳۳.
۱۳. غرایاق زندی، داوود (۱۳۸۲). جایگزینی گفتمان وفاق ملی به‌جای امنیت ملی احزاب و قوم‌گرایی. راهبرد، ۲(۲۹)، ۱۶۷-۱۸۲.
۱۴. کریمی مله، علی (۱۳۹۲). تأملی نظری در نسبت حکمرانی خوب و امنیت ملی. مطالعات راهبردی، ۱(۳)، ۴۳-۸۰.
۱۵. متفکر، حسین (۱۳۸۶). استراتژی‌های ژئوپولیتیکی آمریکا و امنیت ملی ایران. سیاست، ۳۷(۳)، ۱۹۳-۲۳۶.
۱۶. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۵۶). ولایت فقیه. بیروت: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۷. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). کشف الاسرار. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۸. میرسندهی، محمد (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی تاریخ امنیت در ایران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۹. هویدا، فریدون (۱۳۶۵). سقوط شاه. تهران: اطلاعات.
۲۰. هنسون، جیمی (۱۳۹۷). بازی ایران و توافق مالاها. واشنگتن فری بیکن، ۹۷(۳)، ۱۵۴-۱۶۹.

21. Hanson, J. (2018). *The spark of regime change in the white house*. Washington: American security studies of think tank.

## References

1. Beiki, M. (1388). Soft power of Islamic republic of Iran (Case Study of Lebanon). Tehran: Emam Sadeq University. [in Persian]
2. Berkowitz, M., & C.Bok, P. (1377). *National security*. Translation of Shapor Seifi, Tehran: Strategic Studies Institute. [in Persian]
3. Bolton, J. (1397). *That time John Bolton Promised Regime Change in Iran before 2019*. Washington: Center for Security Studies of USA. [in Persian]
4. Eftekhari, A. (1381). *Thought fundamental stages in national security studies*. Tehran: Strategic Studies Institute. [in Persian]



5. Hanson, J. (1397). Iran Game and the Deal of Mullahs. *Washington Free Beacon*, 97(3), 154-169. [in Persian]
6. Hanson, J. (2018). *The spark of regime change in the white house*. Washington: American security studies of think tank.
7. Hoveida, F. (1365). *Shah's fall*. Tehran: Ettelaat. [in Persian]
8. Karimi Mele, A. (1392). A theoretical Deliberation to the relation of good governance and national security. *Strategic Studies*, 1(3), 43-80. [in Persian]
9. Khosravi, A. (1397). Correlation Between the Islamic Republic of Iran's Political Identity and the U.S. as an Enemy. *strategic studies quarterly*, 21(80), 55-74. [in Persian]
10. Mirsendesi, M. (1391). *Sociology of security history in Iran*. Tehran: Humanities and Cultural Studies Institute. [in Persian]
11. Mosavi Komeini. R. (1356). *Welayit faqih*. Beirut: the Institute Publication for Emam Khomeini's Works. [in Persian]
12. Mosavi Komeini. R. (1378). *Kashf al.Asrar*. Tehran: the Institute Publication for Emam Khomeini's Works. [in Persian]
13. Motefakker, H. (1386). America geopolitics strategies and Iran national security. *Policy*, 37(3), 193-236. [in Persian]
14. Qarayan Zandi, D. (1382). Replacing national consensus discourse rather than parties national security and ethnicity. *Strategy*, 2(29), 167-182. [in Persian]
15. Rohani, H. (1392). *National security and nuclear diplomacy*. Tehran: Strategic Research Centre of the Expediency Council. [in Persian]
16. Roshandel, J., & Azqandi, A. (1394). *Contemporary military and strategic issues*. Tehran: Samt. [in Persian]
17. Roshandel. J. (1394). *National security and international system*. Tehran: Samt. [in Persian]
18. Sadati Meydani, S. H. (1385). Security Council and nuclear case of Iran: Confrontation between International law governance and international peace. *Foreign Policy*, 3(77), 46-58. [in Persian]
19. Sajedi, A. (1384). National security of Iran in 21 Century (Ethnic Crises and National Security in Today's Iran). *Thought Culture*, 4(14), 14-27. [in Persian]
20. Sarmast, B. (1388). Actors, weapons, and the sources of national security threats. *Policy Sciences*, 8(3), 197-233. [in Persian]
21. Tajik. M. R. (1384). Fourth wave of security and national security contradictions in today's Iran. *Thought Culture*, 4(15), 6-21. [in Persian]